

باشگاه فوتبال پرسپولیس



هزار دقیقه سوخته

پرسپولیس در این فصل عملاً ویتگر ازبکستانی اش را در اختیار نداشته



یک بازی حساس و چند نیمچه بازی

نیمه دوم مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا از امشب آغاز می شود

پخش زنده



لیگ قهرمانان آسیا ۲

سپاهان	19:30
الوحدات	



لیگ قهرمانان اروپا

اسلوان بر اتیسلاوا	21:15
ات میلان	

اسپار تاپر اک	21:15
اتلیتیکو مادرید	

بار سلونا	23:30
برست	

بایر لورکوزن	23:30
سالن بورگ	

بایرن مونیخ	23:30
پاری سن ژرمن	

اینتر	23:30
لایپزیش	

منچستر سیتی	23:30
فاینورد	

اسپورتینگ	23:30
آر سنال	

بانک بویز	23:30
آتلانتا	

برنامه بازی



لیگ نندگان آسیا

پرسپولیس	17:30
النشتر طه	

الاهلی	19:30
استقلال	



لیگ قهرمانان آسیا ۲

تراکتور	19:30
الوکره	

استقلال تاجیکستان	17:30
سپاهان	

تستر یک
روزنامه نگار
امیر محمد یعقوب پور

اوستون مصدوم!

بدون تردید یکی از مهم ترین عوامل قهرمانی پرسپولیس در فصل گذشته، اضافه شدن اوستون اورونوف به این تیم بود. ستاره ازبکستانی به شکلی معجزه آسا و از دل درگیری درون باشگاهی در استقلال به پرسپولیس لینک شد. داستانش را همه می دانند؛ اینکه جواد نکونام این بازیکن را نخواست و جذب او را مشروط به حضور آبازیکن متوسط ایرانی کرد. این اتفاق هم در نهایت رخ نداد تا استقلال یک پاس گل تاریخی به رقیب سسنتی اش بدهد و درخشش اورونوف در پیراهن پرسپولیس به سوزهای برای شماتت دائمی نکونام تبدیل شود. با این حال اما در فصل جدید، داستان به کلی عوض شده و حالا پرسپولیس عملاً بازیکنی به اسم اورونوف در اختیار ندارد. او که دائماً مصدوم است، دیدار دیشب سرخپوشان مقابل الریان قطر را هم از دست داد تا کم کم هواداران از یاد ببرند اصلاً چنین بازیکنی در تیمشان وجود داشته است.

پرسپولیس از ابتدای فصل در لیگ برتر، جام حذفی و لیگ نخبگان آسیا مجموعاً ۱۶ بازی انجام داده و این یعنی ۱۴۴۰ دقیقه. اورونوف اما از تمام این مدت، مجموعاً فقط ۴۷۲ دقیقه در زمین حاضر بوده تا به نوعی هزار دقیقه از مسابقات فصل پرسپولیس را از دست بدهد؛ چیزی حدود دوسوم از بازی ها را! نیازی به توضیح نیست که وقتی بازیکنی در این حجم مصدوم است، حتی زمان هایی که به بازی گرفته می شود هم آن طراوت و اثرگذاری مورد انتظار را نخواهد داشت. این مسئله در مورد اورونوف آشکارا در بازی با الغرافه به چشم آمد و وضع طوری شد که تعویض وینگر ازبکستانی، از سوی هیچ یک از هواداران و کارشناسان مورد انتقاد قرار نگرفت.

اورونوف که در لیگ بیست و سوم طی نیم فصل بازی برای پرسپولیس ۶ گل در لیگ برتر به ثمر رساند، امسال در لیگ و آسیا فقط یک گل زده؛ یک گل نه چندان کلیدی مقابل فولاد خوزستان. یکی از دلایل وضعیت نامناسب این ستاره ازبکستانی، فرسودگی اوست؛ چه اینکه اورونوف در طول ماه های گذشته بدون استراحت ناچار بوده برای تیم های ملی امید و بزرگسالان ازبکستان و نیز پرسپولیس به میدان برود و این موضوع مقاومت او در برابر آسیب دیدگی ها را کاهش داده است. از سوی دیگر این اواخر در نوع بازی اوستون، یک جور هراس از ضربه خوردن و آسیب دیدگی دوباره هم دیده می شود؛ کابوسی که همه بازیکنان با نرخ بالای مصدومیت آن را تجربه می کنند.

خوب و بد فنی گاریدو موضوعی مجزا است که زیاد در موردش حرف زده شده و طبیعتاً این بحث ادامه هم خواهد داشت. با این حال به ارث رسیدن این نسخه از اورونوف را باید به حساب بدنشانی محض مربی اسپانیایی گذاشت. بدون هیچ تردیدی، فصل گذشته آمادگی اورونوف و نیز حضور مؤثر مهدی ترابی که معمولاً در نیم فصل های دوم اوج می گرفت، از عوامل کامیابی اوسمار ویرا و همینطور نمایش های جذاب پرسپولیس بود. گاریدو اما هیچ یک از آنها را در اختیار ندارد، مثل عبدالکریم حسن که هر قدر در فاز دفاعی متزلزل بود، در حرکات هجومی به تیم کمک می کرد.

شانسی آورد «قلعه نویی کوویج» نیست!

ساکت الهامی در این فصل نتایج خوبی روی نیمکت نساجی به دست نیاورده و شعارهای اعتراضی زیادی را هم تحمل کرده است. نساجی از ۱۰ بازی در لیگ ۶ امتیاز گرفته و در قعر جدول رده بندی مسابقات قرار دارد. آنها در جام حذفی هم در مرحله یک شانزدهم نهایی میزبان تیم دسته اولی مس شهباز بودند که نهایتاً در دقایق تلف شده و با گل دقیقه ۹۵ سیامک نعمتی موفق به صعود شدند. همه اینها یعنی جایگاه ساکت در قلمشهر خوب نیست و حتی در جریان همین مسابقه هم تماشاگران علیه او شعار دادند؛ آنچه با مشت گره کردن الهامی پس از گل صعود رو به سکوها خیرساز شد و وضعیت را بدتر کرد.

همه اینها را گفتیم تا یادآوری کنیم درست در چنین شرایطی، الهامی وظیفه خودش دانسته با تندترین ادبیات از سر مربی تیم ملی دفاع کند. او پس از این مسابقه گفت: «سا عادت کردیم اجنبی پرست باشیم. اگر به جای قلعه نویی، قلعه نویی کوویج روبه روی ما بود، اینگونه حرف نمی زدیم!» خب البته اصل حرف او اعتراض به تبعیض است که فکر می کند افکار عمومی بین مربیان داخلی و خارجی قائل هستند. حالا کاری به درست و غلط بودن این ایده نداریم، اما اتفاقاً آخرین ویچی که سر مربی تیم ملی شدند، اسمش درآگان اسکوکچی بود که همه یادمان هست چه بلایی سرش آمد. او در مسابقات مهم، مقابل رقبای نسبتاً باکیفیت تر و با فوتبال بهتر همین نتایج را به دست آورد، اما بازیکنان تیم ملی نه تنها مدرسه فوتبالش را تبلیغ نکردند، بلکه علیه اش دست به کودتاهم زدند. در نتیجه امیر خیلی هم باید خوشحال باشد که اسمش «قلعه نویی کوویج» نیست!

سوزده روز